

بررسی چالش های فراروی نظام آموزش عالی کشاورزی

- کبری ارکوازی^۱، سیده زهرا موسوی قیداری^۲، فروغ السادات وکیل زواره^۳، سید محمود حسینی^۴
- ۱- دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی-دانشگاه تهران،
karkavazi@ut.ac.ir
 - ۲- دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی-دانشگاه تهران،
zahra.mousavi67@ut.ac.ir
 - ۳- دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی-دانشگاه تهران،
f.vakilzavareh@ut.ac.ir
 - ۴- استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی-دانشگاه تهران،
hoseinim@ut.ac.ir

چکیده

وضعیت نابسامان و نرخ بالای بیکاری در میان دانش آموختگان رشته های کشاورزی به وضوح مبین وجود چالش های اساسی در نظام آموزشی عالی کشاورزی می باشد. شناسایی این چالش های می تواند به عنوان گام موثری در تبیین وضعیت موجود و ضرورت تحول آفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی تلقی شود. لذا، مطالعه حاضر بررسی چالش های فراروی نظام آموزش عالی کشاورزی را به روش بررسی اسنادی (مروری)، هدف خود قرار داد. بر اساس یافته های حاصل، تمرکزگرایی و عدم استقلال، مشکلات مالی، کیفیت آموزشی، عدم توجه به خلاقیت و نوآوری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مهم ترین چالش های فراروی آموزش عالی کشاورزی می باشند که باید در برنامه ریزی و تصمیم گیری جهت تحول آفرینی، مورد توجه قرار گیرند.

کلمات کلیدی: نظام آموزش عالی کشاورزی، چالش ها، تحول آفرینی

۱- کبری ارکوازی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی-دانشگاه تهران، ۰۹۱۸۸۳۱۳۰۱۳

Study of challenges facing the agricultural higher education system , Forough Alsadat Vakil Zavareh³, Seyed Mahmoud Hoseini⁴Kobra Arkavazi¹, Seyedeh Zahra

Mousavi Geydari²

1-Ph.D. Student of Agricultural education, Faculty of Economics and Agricultural Development, College of
Agriculture and Natural Resources, Tehran University, karkavazi@ut.ac.ir

2- Ph.D. Student of Agricultural education, Faculty of Economics and Agricultural Development, College of
Agriculture and Natural Resources, Tehran University, zahra.mousavi67@ut.ac.ir

3- Ph.D. Student of Agricultural extension, Faculty of Economics and Agricultural Development, College of
Agriculture and Natural Resources, Tehran University, f.vakilzavareh@ut.ac.ir

4-Professor of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Economics and Development, -۴

College of

Agriculture and Natural Resources, Tehran University, hoseinim@ut.ac.ir

Abstract

Bad condition and high unemployment among agricultural graduates, clearly illustrates the existence of fundamental challenges in agricultural higher education system. Recognizing these challenges can be considered as an effective step in explaining the current situation and the need for transformation in the agricultural education system. Therefore, the present study aims to examine the challenges facing agricultural higher education system through documentary review method. Based on the findings, centralization and lack of independence, financial problems, educational quality, lack of attention to creativity and innovation, information and communication technology, are the most important challenges for higher education in agriculture, which should be considered in planning and decision making for transformation.

Key words: agricultural higher education system, challenges, transformation

مقدمه

رشد و توسعه هر جامعه برآیندی از وضعیت توسعه یافتگی نهاد علم و آموزش عالی آن کشور است، چرا که در فرایند توسعه یافتگی، علم اساسی ترین نقش را ایفا می کند (فراستخواه، ۱۳۸۸). دانشگاه نهاد اجتماعی است که هرگز نمی تواند در خلأ و جدا از محیط خود و حمایت همه جانبه نظام های کلان توسعه یابد، زیرا دانشگاه به منزله یک نظام در نظام های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی جامعه محاط است؛ هم از آن ها تأثیر می پذیرد و هم بر آن ها تأثیر می گذارد. دانشگاهی که منطبق بر ساخت اجتماعی فرهنگی جامعه باشد اولاً، توانایی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، و ... جامعه را خواهد داشت. ثانیاً، مردم به آن اعتماد می کنند و نهایتاً در فرایند توسعه سهم خود را خواهند داشت. امروزه اندیشمندان متفق القول، رسالت های دانشگاه و آموزش عالی را تسهیل کننده در رشد و تکامل انسان، توسعه و غنای دانش و فرهنگ کشور و پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه می دانند (عزیزی، ۱۳۸۳). همبستگی کاملی بین علم، فناوری، فرهنگ و توسعه یافتگی نظام اجتماعی برقرار است و در این میان، دانشگاه قدرتمندترین عامل برای تحقق این همبستگی به شمار می رود. دانشگاه فکر تولید می کند و اندیشه ها را نقد و اصلاح می کند و با تأمین نیروی انسانی کافی و متخصص توسعه و تکامل جامعه را طراحی می کند (باقری و کریم اف، ۱۳۹۲). نظام های آموزش عالی، به عنوان بارزترین نمود سرمایه گذاری نیروی انسانی، نقش اصلی در تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآمد بر عهده دارند. این نظام ها سهم قابل توجهی از بودجه کشور را به خود اختصاص می دهند و نقشی تعیین کننده در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دارند. از این رو، اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد آنها به منظور جلوگیری از هدر رفتن سرمایه های انسانی و مادی و نیز داشتن توانایی رقابت در دنیای آینده که در آن کیفیت مهم ترین مولفه برای ادامه حیات هر سازمان است، ضرورتی انکارناپذیر می باشد (غنچگی و همکاران، ۱۳۹۱). سازمان علمی فرهنگی ملل متحد سه کارکرد اصلی دانشگاهها را تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش (آموزش) و اشاعه و نشر دانش (ارایه خدمات) می دانند (اجتهادی، ۱۳۷۷). هر یک از این کارکردها و ماموریت ها از اهمیت خاصی برخوردارند و بی توجهی به هر یک از آنها ممکن است زیان های جبران ناپذیری برای جامعه به دنبال داشته باشد (غنچگی و همکاران، ۱۳۹۱). وظایف دانشگاه نوین از دیدگاه Nelson را میتوان به این صورت تعریف کرد: آماده کردن افراد برای مسئولیت پذیری در زندگی، بهره وری در کار، مواجه شدن با مسایل و مشکلات زندگی در شرایط متغیر جهانی، ایجاد مهارت های تفکر انتقادی و خود آگاهی. نظام آموزش عالی به واسطه نقش آموزشی خود نیروی محرکه ای برای توسعه اجتماعی - اقتصادی، توسعه سرمایه انسانی، خلق دانش، و ارایه خدمات به گروهها و انجمن ها محسوب میشود. در واقع هدف نظام آموزشی باید شکوفا کردن استعدادها، تولید قابلیت ها و شایستگی ها باشد و نه تعریف آینده برای دانشجویان. در واقع نظام آموزشی موجود مسئول تربیت هزاران متفکر آینده در برابر تحولات سریع و عمیق سیستمی جامعه امروز است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵).

آموزش عالی کشور در طول دو دهه گذشته با چالش ها و مسایل بسیاری مواجه بوده است که از میان آنها می توان به این موارد اشاره کرد: ناتوانی در تولید دانش نظری تولید شده در سایر کشورهای جهان، کاربردی نبودن آموزش های دانشگاهی، فقدان رابطه مناسب بین دانشگاه ها و سایر بخش های اجتماعی، بی توجهی به کارکردهای پژوهش و ارایه خدمات در دانشگاه ها، مشکل تعدد مراکز تصمیم گیری و وجود متولیان متعدد رشد فزاینده دانشجویان و متقاضیان ورود به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، گسترش کمی نظام آموزش عالی بدون توجه به ظرفیت های موجود و توان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه برای پذیرش دانش آموختگان دانشگاهی، کاهش منابع مالی و فشار از سوی جامعه برای مسئولیت پذیری و پاسخ گویی لازم می باشد (غنچگی و همکاران، ۱۳۹۱). رشته های کشاورزی بالاترین نرخ بیکاری در بین کل دانش آموختگان دانشگاهی را دارا می باشند. این وضعیت ضمن بازگویی شرایط نگران کننده اشتغال دانش آموختگان کشاورزی لزوم توجه به تحول آفرینی آموزشی در بخش کشاورزی، خاصه در دانشکده های کشاورزی را که می توانند نقش مهمی در ارتقای توانایی ها، گسترش ظرفیت فکری، ایجاد خلاقیت و نوآوری، ارتقای سطح کیفیت دانش و مهارت های ارایه شده داشته باشند، چندین برابر می سازد. به همین جهت، اداره امور مؤسسه های آموزش عالی، به ویژه دانشگاه هایی که مبتنی بر آموزش باشند، احتمالاً مهمترین و پیچیده ترین مساله در سیاست گذاری آموزش عالی است. اگر دانشگاهها می خواهند در جهان رو به رشد و دانش افزای امروزی باقی

بمانند، نمی توانند هم در اوضاع سنتی به سر برند و هم به روزهای بهتر دل ببندند. لذا، از دانشگاهها انتظار می رود که تحول را سرلوحه برنامه های خود قرار دهند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵). در طول هشت قرن گذشته تحولات بزرگی در آموزش عالی رخ داده است. فعالیت های کنونی دانشگاه ها متأثر از پیچیدگی های جامعه، افزایش دانشجویان و پیشرفت علم می باشد. تحولات و پیشرفت های تکنولوژیک منادی این واقعیت است که فعالیت های مراکز آموزش عالی نیز باید متحول گردد. یکی از ارکان تحول در آموزش عالی استقلال و انعطاف پذیری است. دانشگاه های انعطاف پذیر نه تنها می توانند خود را با تحولات تطبیق دهند بلکه توانایی شکل دهی به آن را نیز خواهند داشت (آراسته، ۱۳۸۴). تحول آفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی ایران نیز نیازمند انجام یک تفکر سیستمی، شناسایی چالشها و مشکلات موجود، اصلاح زیر ساختها و بالا بردن فرهنگ مؤسسات آموزشی به سمت پذیرش تحولات در حوزه های مختلف دارد. مادامی که این احساس نیاز شکل نگیرد، مقدمات دستیابی به امر تحول آموزشی نیز اتفاق نمی افتد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴). لذا مطالعه حاضر بررسی چالش های فراروی نظام آموزش عالی کشاورزی را هدف خود قرار داد.

چالش های آموزش عالی کشاورزی

تمرکز گرایی و عدم استقلال

تمرکز اداری و عدم استقلال از جمله مهمترین چالش های فراروی مؤسسات آموزش عالی کشور می باشد. تا زمانی که تمرکز گرایی اصل محوری در اداره دانشگاهها باشد آنان نمی توانند به خوبی ابداعات و نوآوریهای خود را متجلی نمایند. بنابراین دانشگاهها و هیئت امنای آنان باید از اختیارات و مسئولیتهای اداری و مالی و فنی گسترده تری برخوردار شوند. آنچه رشد و پویایی دانشگاه های ممتاز جهان را سبب شد موضوع استقلال آنها بود. ارتباط با جامعه و چگونگی برآورده ساختن نیازهای در حال تغییر آن و نیل به اهداف، مستلزم برخورداری دانشگاه از آزادی علمی و عملی در سایه استقلال است. انتظار این است که دانشگاه ها بتوانند به میزان قابل توجهی به رشد اقتصادی، امنیت ملی، آموزش و پرورش و به طور کلی حل مشکلات جامعه یاری رسانند و این موضوع بدون تقویت و اعطای اختیارات به جامعه دانشگاهی غیر ممکن به نظر می رسد. در آموزش عالی، بسیاری از تصمیمات، از جمله فعالیت های تحقیقاتی و آموزشی باید توسط هیئت علمی اتخاذ شود. از این رو استقلال هیئت علمی و در نهایت دانشگاه بسیار مهم است. آزادی بیان و آموزش براساس یافته های پژوهشی، توجیهی مهم برای استقلال دانشگاه هاست و موجب پویایی این نهاد می شود. آزادی در کسب دانش (تحقیق)، اشاعه دانش (آموزش)، و بهبود زندگی انسانها (خدمات اجتماعی) در سایه استقلال تحقق می یابد (آراسته، ۱۳۸۴).

مشکلات مالی

امروزه تامین مالی آموزش عالی بر اثر تقاضای فزاینده برای آن از یک سو و محدودیت عمومی منابع مالی این بخش از سوی دیگر، با مشکل مواجه گشته است. عواملی مانند بحران های اقتصادی، اجرای برنامه های تعدیل اقتصادی که هدف آن کاهش نقش دولت در امور اقتصادی است، از نمونه های بارزی است که سبب کاهش حجم کلی مخارج دولت منجمله کاهش مخارج دولت در زمینه های آموزشی در کشورهای در حال توسعه است. ضمن اینکه بروز پدیده هایی مانند بیکاری فارغ التحصیلان و افزایش هزینه های اجتماعی رقیب آموزش و به ویژه آموزش عالی، مزید بر علت گشته اند. در کنار این روند نزولی سهم آموزش عالی از هزینه های دولت و تولید ناخالص ملی، افزایش روزافزون تقاضا برای آموزش عالی به دلایل و انگیزه های مختلف باعث شده است که بخش آموزش عالی با منابع کمتر، مجبور به پاسخگویی به تقاضای بیشتر باشد و تداوم این وضعیت، بحران مالی را در این بخش در پی آورد (قارون، ۱۳۸۰). مشکلات مالی دانشگاه ها، جدا از مشکلات اقتصادی و نامناسب بودن امکانات، معلول شیوه های است که در خصوص تامین منابع مالی پیش گرفته شده است. این شیوه بیشتر متوجه مسؤلیت دولت در سرمایه گذاری برای تربیت نیروهای انسانی در کشور است. بنابراین دانشگاه ها، همکاری و همیاری دانشجویان را در تامین قسمتی از مخارج تحصیلات در برنامه های کاری خود گنجانده اند. در این میان ارتباط با صنعت، گسترش فرهنگ وقف، و اخذ مالیات، از جمله برنامه هایی است که به آن توجه شده است. به هر حال، افزایش درآمد برای بهبود نظام آموزشی -

پژوهشی همواره چالشی بزرگ پیش روی مسئولان آموزش عالی در جهان بوده است. دانشگاه ها در کنار جذب منابع مالی، باید تلاش بیشتری را معطوف کنترل هزینه ها نمایند. چالش پیش روی، اثربخشی و بهره وری در کلیه فعالیت ها خواهد بود. این طرز تفکر که فعالیت های مؤثر در سایه حمایت های مالی صورت می پذیرد همواره بر آموزش عالی حاکم بوده است. اما افزایش درآمد به تنهایی کافی نخواهد بود. در کنار افزایش درآمد، کنترل هزینه ها و انجام فعالیت ها با کیفیت بهتر، سریع تر و ارزان تر نیز برای بهبود نظام آموزش عالی بسیار حائز اهمیت است (آراسته، ۱۳۸۴). تقویت بنیه مالی دانشگاهها نیز می تواند نقش آنان را در تولید و فن آوری در کشور ارتقاء بخشد. افزایش سهم سرمایه گذاری های زیر بنایی در راه توسعه علمی و اعطای منابع دولتی به مراکز علمی، پژوهشی و دانشگاهی به صورت کمکهای بلا عوض می تواند شاخصهای توسعه علمی در کشور را بهبود دهد. در این باره لازم است قانون گذاران به اصلاح قانون و مقررات عمومی در مبادلات خارجی پرداخته و تسهیلات لازم را برای پشتیبانی های فنی و تدارکاتی از فعالیتهای آموزش و پژوهش پیش بینی نمایند (هجرتی، ۱۳۹۵).

کیفیت آموزشی

با توجه به تقاضای روزافزون جوانان جهت ورود به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، در ده های اخیر تعداد این موسسات از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. گسترش دانشگاه نه تنها نیروی تربیت شده مورد نیاز جامعه را تأمین می کند، بلکه زیرساخت های فکری و فرهنگی جامعه را برای برخورداری از روشها و فناوری های نوین فراهم می کند و بر همین اساس مؤثرترین شیوه سرمایه گذاری در منابع انسانی به شمار می رود. امروزه با توجه به افزایش تعداد دانشگاه ها در ایران دسترسی متقاضیان به آموزش عالی گسترش یافته است که همراه با این گسترش کمی لازم است، چارچوبی برای بهبود و تضمین کیفیت نیز در دانشگاه ها فراهم شود، به طوری که خدمات آموزشی ارائه شده، پاسخگوی نیازهای ذینفعان و استفاده کنندگان از این خدمات باشد (باقری و کریم اف، ۱۳۹۲). حمایت قانونمندان از توسعه کمی و کیفی دانشگاهها از اصول بنیادین تقویت بنیه آموزش در کشور است. در این راستا مدیران عالی کشور باید به تدوین سیاستها و اولویت های راهبردی در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری پرداخته و از طریق قانونگذاری مجلس شورای اسلامی آنها را نهادینه کنند و از طریق جذب و انتقال فناوری به داخل کشور همراه با نظارت بر فرآیند انتقال دانش و فناوری نوین راه را برای استقلال علمی کشور فراهم سازند. در این مجموعه نباید تنها به بخش دولتی اکتفا نمود و لازم است با طراحی و برنامه ریزی های لازم سهم بخش غیر دولتی را در آموزش عالی گسترش داد (هجرتی، ۱۳۹۵).

عدم توجه به خلاقیت و نوآوری

راز پیشرفت در نهادهای علمی توجه کردن و توجه دادن به اندیشه های نو و کاربردی و توانمند ساختن افراد فعال و پر اندیشه است. نهادی که بدون توجه به این سازوکار بنا گردد، زود پیر و فرسوده می گردد (هجرتی، ۱۳۹۵). پرداختن به مقوله کارآفرینی و تربیت و آموزش دانش آموختگانی که دارای تواناییها و مهارتهای لازم برای راه اندازی یک کسب و کار مناسب باشند اگرچه از وظایف اصلی هر دانشگاه محسوب میشود، اما متأسفانه خلاء آن در دانشگاههای کشور کاملاً محسوس است (هادی زاده و همکاران، ۱۳۹۲) و این معضل خود یکی از مهمترین مشکلاتی است که سبب تشدید پدیده بیکاری می شود. علاوه بر این مشکلات، افزایش تعداد دانشجویان طی چند دهه اخیر و حجم بالای تقاضای تحصیلی نسبت به ظرفیت بازار کار برای دانش آموختگان نکته ای است که مسئولان و صاحبان نظران را نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز به نوعی درگیر مشکلات ناشی از آن کرده است (خسروی پور و عابدی، ۱۳۹۳). باید اذعان نمود در کشور نیز، عده کثیری از دانش آموختگان دانشگاه ها قادر نیستند از آموخته های دانشگاهیشان به نحو مطلوبی استفاده کرده و وارد بازار کار شوند و در حال حاضر بین نظام آموزشی و بازار کار کشور به لحاظ کیفی و کمی ارتباط منطقی وجود ندارد (عابدی و همکاران، ۱۳۹۶). چنانچه آموزش های دانشگاهی به گونه ای باشند که بتواند تفکر خلاقانه و ابتکار را در دانشجویان ایجاد کنند، قابلیت

های کارآفرینانه آنان توسعه پیدا کرده و معضل بیکاری به میزان قابل ملاحظه ای مرتفع خواهد شد. لذا شایسته است پژوهش، محور آموزش قرار گیرد تا به این ترتیب فرآیند برنامه ریزی آموزش و برنامه ریزی درسی با جدیدترین رهیافتهای علمی نیازهای جامعه و کارآفرینی در انطباق باشد. به ویژه لازم است برنامه ریزی مناسبی برای تقویت تحقیقات بنیادین و کاربردی و طرحهای نیمه صنعتی جهت افزایش نوآوری علمی در جامعه صورت پذیرد (هجرتی، ۱۳۹۵).

فناوری اطلاعات و ارتباطات

در صورت ادامه روند کنونی فناوری اطلاعات، بهترین دانشگاه ها مراکزی خواهند بود که قادر باشند ترکیبی از نظام حضوری و غیر حضوری را ایجاد نمایند. ترکیب فوق با توجه به آزادی عمل در فراگیری، سهولت دسترسی و در عین حال تعامل رو در رو با متخصصان، مورد توجه خاص دانشگاه های معتبر جهان قرار گرفته است. فناوری های جدید ساز و کارهایی را فراهم نموده است تا حتی دانشجویان نقاط دور افتاده نیز بتوانند علایق خود را دنبال نمایند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز به علت عدم توانایی در تأمین منابع لازم و پاسخگویی در برابر افزایش تقاضاهای اجتماعی، آموزش از راه دور را افزایش داده اند. بنابراین، چالش های پیش روی آموزش عالی در فناوری اطلاعات و ارتباطات در چند سال آینده را می توان چنین برشمرد: افزایش پهنای باند شبکه های اطلاع رسانی بی سیم، مدیریت بار پهنای باند در زمینه هایی مانند امنیت شبکه، انتقال فیلم و ویدئو، افزایش تقاضا برای آموزش از راه دور توسط شبکه های اطلاع رسانی، مدیریت دروس، امنیت شبکه های اطلاع رسانی در برابر ویروس ها و کرم های پیچیده، امنیت آرشیوهای دیجیتال و مالکیت معنوی (آراسته، ۱۳۸۴).

دانشگاه کارآفرین پاسخی به چالش های موجود

جامعه ی در حال پیشرفت ما جهت ترسیم چشم انداز روشنی از آینده علمی و همچنین حل چالش های موجود، به شدت نیازمند یک دیدگاه آموزشی جدید و در عین حال کارآمد می باشد. ترسیم دیدگاهی تحول گرا در آموزش عالی می تواند آغازگر دگرگونی های گسترده علمی بوده و زمینه ساز بهبود کارایی و عملکرد سیستم گردد. با توجه به نرخ بالای بیکاری در میان دانش آموزان دانشگاهی علی الخصوص فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی، ضرورت ایجاد دانشگاه کارآفرین با وظیفه ای متعالی تر از دانشگاه های سنتی که تنها به دنبال آموزش و پژوهش هستند، هر روز بیش از پیش آشکار میگردد (Clark, 2004). دانشگاه های کارآفرین به عنوان موتور توسعه منطقه ای شناخته شده اند و لذا تحول دانشگاه ها از شکل سنتی و قدیمی موضوع مهمی است (Salamzadeh et al, 2011). در این زمینه دانشگاه کارآفرین بر مفهوم سه جانبه توسعه منطقه ای، با استفاده از ارتباط و عملکرد متقابل سه بخش دانشگاه، اشتغال و دولت تأکید کرده است و در این راستا پاسخ کارآفرینانه، راهنمایی برای توسعه نهادی دانشگاه ارائه میدهد که در آن دانشگاه استقلال خود، تضمین تأمین مالی متنوع و در نتیجه کاهش وابستگی به دولت و توسعه بخش ها و فعالیت های جدید مطابق با تقاضای جامعه را تعریف و تعیین می نماید. این موضوع منجر به تغییرات ساختاری می شود که تضمین کننده ظرفیت بهتر دانشگاه در پاسخ به تغییرات است (Peterka & Salihovic, 2012). در نهایت دانشگاه کارآفرین به دلیل حمایت از زایش و کاربردی نمودن دانش از طریق سه مأموریت خود (آموزش)، (پژوهش) و (کارآفرینی)، به عنوان یک عامل تغییر اجتماعی و ابزار مهمی برای تسهیل اقتصاد مبتنی بر دانش جوامع کنونی مورد توجه قرار می گیرد. دانشگاه های کارآفرین، یک محیط رشد طبیعی هستند که ساختارهای حمایتی را برای اعضای هیأت علمی و دانشجویانی که سرمایه گذاری های جدید فکری، تجاری و فکری و تجاری متقارن را آغاز می نمایند، فراهم می آورد. این دانشگاه ها به دلیل انعطاف پذیری در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی اقتصادی و توجه به فرصت های محیطی در راهبردهایشان می توانند افراد را جهت ایجاد تغییر و همچنین جستجو و استفاده از فرصت ها برای نوآوری و توسعه آماده سازند. این دانشگاه ها یک پاسخ سازگارانة نهادی به تغییرات محیطی و افزایش ظرفیت دانشگاه ها به منظور ایجاد نوآوری از طریق پژوهش و ایده پردازی می باشند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۶). در یک دانشگاه کارآفرین ویژگی

های نظیر عدم تمرکز در ساختار، غیر رسمی بودن، وجود ارتباطات عمودی و افقی، انجام کار به صورت گروهی، کنترل آسان و غیررسمی، وجود کارمندان توانمند و عدم وجود ساختارهایی که مانع بروز ایده های تازه باشند، به وضوح مشاهده می شود (Kasarda, 1992) و (Sexton&). بنابراین دانشگاه کارآفرین می تواند به عنوان پاسخی به مشکلات و چالش های موجود در سیستم آموزش عالی مطرح شده و گام موثری را در جهت رفع معضلات موجود بردارد.

نتیجه گیری

در سال های اخیر با توجه به رشد جمعیت و افزایش تقاضا جهت ورود به دانشگاه، دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی به لحاظ کمی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده اند. با این حال، به علت نرخ بالای فارغ التحصیلان دانشگاهی، بخش دولتی قادر به جذب کلیه دانش آموختگان نمی باشد و از دیگر سو، به سبب پایین بودن کیفیت آموزش های ارائه شده در دانشگاه و عدم توجه به نیازهای بخش خصوصی و بازار کار، با حجم عظیمی از بیکاری دانش آموختگان و هدر رفت منابع انسانی به ویژه در بخش آموزش عالی کشاورزی مواجه شده ایم. این مسئله به خوبی نشان دهنده مشکلات و چالش های نظام آموزش عالی موجود می باشد و بیانگر نیاز فوری به تغییر در سیستم جاری می باشد. به منظور رفع چالش های پیش رو، نظام آموزش عالی کشاورزی باید به صورت پویا و دینامیک و در راستای تغییرات محیطی، تحول پیدا کند. در این راستا نظام آموزش عالی کشاورزی نباید به صورت ایزوله و جدا از سایر بخش ها عمل کند، بلکه باید به عنوان عضو فعالی از نظام آموزش عالی کشور، کشاورزی پایدار و توسعه عمل کرده و تحولات بنیادین را در سیاست ها، برنامه ها، مدیریت و محتوی آموزشی خود ایجاد کند.

منابع

۱. آراسته، ح. (۱۳۸۴). تکامل آموزش عالی: تحولات تاریخی و مشکلات پیش روی کشورهای در حال توسعه. رهیافت، ۳۶.
۲. اجتهادی، م. (۱۳۷۷). تحلیلی بر توانمندی ها و کاستی های نظام آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال ۶، شماره مسلسل ۱۷.
۳. باقری، ا. و کریم اف، م. (۱۳۹۲). تحلیل نقادانه از روند تاریخی آموزش عالی در ایران. جامعه پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲.
۴. خسروی پور، ب.، و عابدی، ب. (۱۳۹۳). شناسایی موانع اشتغال دانش آموختگان کشاورزی از دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره های تحصیلات تکمیلی: مورد مطالعه دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان. سومین همایش ملی و دومین همایش بین المللی مهارت آموزی.
۵. عابدی، ب.، برادران، م.، خسروی پور، ب.، یعقوبی، ج.، و یزدان پناه، م. (۱۳۹۶). شناسایی موانع فراروی ایجاد دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی با استفاده از نظریه مبنایی. فصلنامه پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی سال دهم، شماره ۱، بهار ۹۶، پیاپی ۳۷.
۶. عزیزی، ن. (۱۳۸۳). اشتغال و آموزش عالی. مجموعه مقالات دایره المعارف آموزش عالی.
۷. عزیززاده، ن.، صدیقی، ح.، پزشکی راد، غ.ر.، و فراست خواه، م. (۱۳۹۵). تحلیل سازو کارهای تحول آفرینی آموزشی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۸، شماره ۱، ۱۳۹۵.
۸. عزیززاده، ن.، صدیقی، ح.، پزشکی راد، غ.ر.، و فراست خواه، م. (۱۳۹۵). نقش مؤلفه های تاثیر گذار بر تحول آفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۳، تابستان ۹۴.

۹. غنچی، م.، حسینی، م.، و حجازی، ی. (۱۳۹۱). تحلیل عاملی مولفه های مدیریتی تاثیرگذار بر کیفیت آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیات علمی پردیس های کشاورزی دانشگاه تهران. پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱.
۱۰. فراستخواه، م. (۱۳۸۸). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران تهران: رسا
۱۱. قارون، م. (۱۳۸۰). مروری بر نحوه تامین منابع مالی در منطقه آسیا و اقیانوسیه و رهیافت هایی برای ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی شماره ۲۰، سال ۱۳۸۰.
۱۲. هادی زاده، ج.، تفتی، م.، و فتیحی، ا. (۱۳۹۲). آموزش و توسعه کارآفرینی. همایش ملی دانشگاه کارآفرین (صنعت دانش محور)، بابلسر، دانشگاه مازندران، اردیبهشت ماه.
۱۳. هجرتی، م. (۱۳۹۵). نگاهی گذرا بر نظام آموزش عالی کشور و برخی چالشهای آن. کنگره ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۹۵.
14. Clark, B.R. (2004). Sustaining change in universities. Society for Research into higher education, Open University Press.
15. Peterka, O., Suncica, O., & Salihovic, V. (2012). What is entrepreneurial university and why we need it? Economy of eastern Croatia yesterday, today, tomorrow, 1.
16. Salamzadeh, A., Salamzadeh, Y., & Daraei, M.R. (2011). Toward a systematic framework for an entrepreneurial university: A Study in Iranian Ccontext with an IPOO model. Global business and management research: An international journal, 3(1).
17. Sexton, D.L., Kasarda, J.D. (1992). The State of The art of entrepreneurship, The Coleman foundation.